

زینب سادات جعفری

موسای طور

به مناسبت شهادت باب الحوائج، امام کاظم (ع)

از هارون سنگدل تر و جاه طلب تر زاده شده؟! حضور را تحمل ندارد... در زندانی، مثلاً، اسیرت می کند. زندانی که خود جرأت عبور از آن ندارد. بر تو و حتی مناجات های سخت می گیرد... به تنگ می آیی که:

«... خَلَّصْنِي مِنْ يَدَيِّ هَارُونَ الرَّشِيدِ»
 «خدا یا!... مرا از دست هارون خلاص کن»^۱
 زهر دشمنی شان، شهید وصال می شود.
 و آغاز غربت دوباره دنیایی که از سجده های طولانی و عبادات عارفانه به درگاه حقایق بی نصیب می ماند.
 آغاز دوباره فلاکت دنیایی که مولایش را قدر نمی داند!

منبع:

۱. ارشاد مفید (ترجمه شده)، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۴.

«خدا یا تو می دانی که من جای خلوتی را برای عبادت از تو خواسته بودم، تو چنین جایی برایم آماده کردی، تو را سپاس می گویم و سپاس مخصوص توست»^۱
 و فرشتگان مات و مبهوت بندگی ات می مانند که این مرحله از بندگی را بر آنها اذن ورود نیست... نور می شوی بر تاریکی دنیایی که زمام حکومتش را عباسیان غصب کرده اند... با صلابت می ایستی... وارث شایسته دانشگاه جعفری. و بارانت هر یک، خود دانشگاهی می شوند از نور.
 هر که لحظه ای با توست و غرق می شود در مناجات، بی خود از خویش می شود و روح خالصانه خدا خواهی ات رسوخ می کند بر عمق جان، دلش را می تکاند از دنیا و پیوند می زند به مهربانی تا همیشه خدا.

هر حاکمی برایت نقشه ای نو می ریزد؛ سوز اشک و آه مظلومانه ات، تصورات واهی شان را از هم می گسلد!

و سرانجام... ظلم به غایت خود می رسد.

فرشتگان، صف بسته در امتداد بندگی خاضعانه ات، تکرار می کنند تکبیر الاحرام عاشقی حق را... با تو بر زمین می افتند... ساعت ها سجده می کنند و هر یک مست می شوند از جام خشوع... زمزمه می کنند راز و نیاز هایت را... و صدایت را در میان نور به آسمان می برند!

عباسیان نه می توانند از تو بهره ببرند و نه تو را برمی تابند که هر کلمه جاری شده بر لبانت ستونی از کاخ های پوشالی حکومت شان را در هم می کوید.

تو را می خواهند و نمی خواهند... مانده در چند راهی با تو بودن یا بی تو ماندن؛ زندان ات می کنند. به خیال پوچ خود می خواهند چشمه جوشان معرفه الهات را یخشانند.

و تو از موسای کلیم کم تر نیستی که او طور سینیایی برای عبادت داشت و تو شکر می گویی که:

«اللهم اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنِّي كُنْتُ اَسْأَلُكَ اَنْ تَفَرِّغَنِي لِعِبَادَتِكَ، اللهم و قد قعلت فلك الحمد.»